

بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی شهر بابل)

سید علی اصغر حسینی*

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در میان مردم شهر بابل می‌پردازد. اعتماد اجتماعی، بنیاد شکل‌گیری روابط اجتماعی و توسعه یک جامعه است و کاهش یا افزایش آن می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر ساختارهای مختلف جامعه و روابط اجتماعی مردم آن داشته باشد. به همین دلیل، در دهه‌های اخیر این موضوع نظر بسیاری از نظریه‌پردازان مطرح علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال است که میزان اعتماد اجتماعی بین مردم بابل چقدر است؟ آیا مردم بابل دارای اعتماد اجتماعی بالایی هستند یا اعتماد اجتماعی آنان در سطح پایینی قرار گرفته است؟

روش این پژوهش پیمایشی بوده و در تحلیل داده‌ها از جداول توصیفی تقاطعی و آزمون‌های آماری، مانند کندال، اسپیرمن و من ویتنی استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از اعتماد اجتماعی پایین در بین مردم و همچنین، وجود رابطه معنادار بین سن، تحصیلات، درآمد و اعتماد اجتماعی است. فرضیات مربوط به رابطه جنسیت، وضع تأهل و محل تولد با اعتماد اجتماعی نیز رد شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: اعتماد اجتماعی، اطمینان، فرهنگ اعتماد، تحصیلات، سن.

مقدمه

در کشور ایران در حال کاهش است و برخی آن را به صورت یک مسئله اجتماعی نیز مطرح کرده‌اند.^(۵) به نظر می‌رسد با توجه به ادبیات گسترده‌ای که در زمینه اعتماد اجتماعی و توجه به این موضوع از سه یا چهار دهه پیش در جهان به وجود آمده است و همچنین، بسیاری از مسائل اجتماعی و موانع موجود بر سر راه کشورهای در حال توسعه و به ویژه ایران، ضرورت پرداختن به اعتماد اجتماعی و بررسی آن، چه در سطح نظری و چه در سطوح تجربی، می‌تواند به منزله یک دغدغه علمی و اجتماعی مطرح شده و زمینه خوبی برای پژوهش به وجود آورد. با توجه به توضیحات فوق در زمینه اعتماد و روشن شدن فضای مفهومی آن، پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. اعتماد اجتماعی در شهر بابل چه میزان است؟ (توصیفی)
 ۲. آیا بین سن افراد و میزان اعتماد اجتماعی آنها رابطه وجود دارد؟
 ۳. آیا بین سطح تحصیلات و میزان اعتماد اجتماعی افراد رابطه وجود دارد؟
 ۴. آیا بین درآمد افراد و میزان اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد؟
 ۵. آیا بین میزان اعتماد اجتماعی زنان و مردان تفاوتی وجود دارد؟
- پنج سؤال فوق، مسائل اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهند و بر همین اساس، اهداف این تحقیق عبارت‌اند از: توصیف میزان اعتماد اجتماعی در شهر بابل، و شناخت میزان اعتماد اجتماعی در میان افراد نمونه با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فردی.

توجه به مفهوم اعتماد اجتماعی و بررسی آن در نظریات اجتماعی به اواخر دهه هفتاد میلادی بازمی‌گردد. لومان در سال ۱۹۷۹ و باربر در سال ۱۹۸۳ تلاش فکری گسترده‌ای را در مورد اعتماد اجتماعی انجام داده‌اند و پس از آن، ادبیات نظری و تجربی وسیعی در زمینه اعتماد اجتماعی به وجود آمد. اگر بخواهیم اعتماد را بدون توجه به تعدد تعاریف و براساس وجه اشتراک این ادبیات تعریف کنیم، می‌توانیم مانند سیگل من بگوییم: «وجود اعتماد مؤلفه اصلی تمامی روابط اجتماعی می‌باشد» و یا به قول ایزنشتاد: «بدون عنصر اعتماد برقراری روابط اجتماعی پایدار امکان‌پذیر نمی‌باشد»^(۱) همچنین از دیدگاه لومان، ما با اعتماد کردن به گونه‌ای رفتار می‌کنیم که گویا آینده را می‌شناسیم. با نشان دادن اعتماد، آینده قابل پیش‌بینی می‌شود.

اعتماد یعنی طوری عمل کنیم که گویی آینده مشخص است؛ بنابراین، شخص در شرایط عدم اعتماد دچار عدم قطعیت و در نتیجه، نوعی سرگردانی در روابط اجتماعی می‌شود.^(۲) به اعتقاد لومان، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی آن است که عدم تعیین اجتماعی را کاهش می‌دهد.^(۳) زتومکا نیز در تعریف خود از اعتماد می‌گوید: «اعتماد نوعی شرط در مورد کنش‌های احتمالی دیگران در آینده است و همه افراد در بعضی مواقع چنین شرط‌هایی را در مورد کنش‌های احتمالی دیگران در آینده به کار می‌گیرند»^(۴) بنابراین، اعتماد عنصر بنیادین روابط اجتماعی است و افزایش یا کاهش آن در درون جامعه می‌تواند توازن نظام اجتماعی را به هم زده و مانعی برای پویایی، توسعه و پیشرفت آن شود. چنان‌که از بررسی‌ها و تحقیقات صاحب‌نظران و پژوهشگران برمی‌آید، در طول دهه گذشته نشان داده شده که میزان اعتماد اجتماعی

پیشینه نظری

در بررسی اندیشه‌های اجتماعی مربوط به اعتماد می‌توان موج جدیدی از علایق جامعه‌شناختی به اعتماد را در نظریه‌های مطرح معاصر ریشه‌یابی کرد. برخی از این نظریات، اعتماد را به منزله یک مؤلفه از مفاهیم دیگر در نظر گرفته و دسته‌ای نیز به طور مستقیم به مفهوم اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند. در دسته اول می‌توان ابتدا به نظریات آلموند و وربا، در زمینه فرهنگ مدنی اشاره کرد. از دیدگاه وی، فرهنگ مدنی احساسی وسیع و گسترده از کفایت سیاسی و اعتماد متقابل شهروندان است و اعتماد سیاسی بازتابی از وجود جو گسترده اعتماد در جامعه است.^(۶) همچنین، الکساندر با تأکید بر رابطه اعتماد و جامعه مدنی در دهه اخیر، اعتماد را در بطن جامعه مدنی، چه به صورت افقی (بین مردم) و چه به صورت عمودی (مردم و نهادها) به منزله بعد اصلی جامعه مدنی مطرح می‌کند.^(۷) پاتنام نیز در بررسی‌های خود برای سنجش سرمایه اجتماعی، اعتماد را مؤلفه اصلی آن قلمداد می‌کند و اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع مرتبط، یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند. از دید وی، اعتماد اجتماعی همکاری را تسهیل و هرچه بالاتر باشد، همکاری را بیشتر می‌کند.^(۸)

از سوی دیگر، اعتماد با ارزش‌های فرامادی‌گرایانه هم پیوند نزدیکی دارد. تحقیقات تجربی اینگلههارت در بسیاری از کشورها، همبستگی اعتماد با کیفیت زندگی و بهزیستی روانی را اثبات کرده است.^(۹) تحقیقات وی نشان می‌دهد که مردم در کشورهای پیشرفته‌تر و دارای رضایت بالاتری از زندگی (مانند دانمارک، بلژیک، ایرلند و آلمان غربی) میزان اعتماد اجتماعی بالاتری نیز دارند.^(۱۰) فوکویاما نیز در سال ۱۹۹۵ در پژوهشی درباره اعتماد، آن را عنصر حیاتی یک نظام اقتصادی پویا معرفی

می‌کند و بر تجربه آسیای جنوب شرقی تأکید می‌کند.^(۱۱) دسته دوم، نظریاتی را دربر می‌گیرند که به طور مستقیم به اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند. در سال ۱۹۷۹، نیکلاس لومان، تحلیلی عمیق از اعتماد را منتشر کرد و اعتماد را به رشد پیچیدگی و مخاطره ارتباط داده بود. در سال ۱۹۸۳، باربر مظاهر مربوط به اعتماد را در عرصه‌های مختلف نهادی و حرفه‌ای جامعه مدرن بررسی کرد. در سال ۱۹۸۴، ساموئل ایزنشتاد و لوئیس رونیجر اعتماد را در رابطه وکیل - موکل از باستان تا مدرنیته بررسی کردند. گامبتا در سال ۱۹۸۸، تعدادی از دیدگاه‌ها را کنار یکدیگر قرار داده و تحلیلی از اعتماد را در اجتماعاتی مانند مافیا ارائه کرد. در سال ۱۹۹۰، جیمز کلمن در کتاب *نظریه‌های اجتماعی*، فصلی را به اعتماد اختصاص داد و الگویی را برای تحلیل اعتماد به منزله نوعی مبادله در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی ارائه کرد. در دهه نود، آنتونی گیدنز ابتدا به تنهایی و سپس با بک و اسکات لاش، اعتماد را صفت مشخصه پایان مدرنیته دانسته‌اند که بسط اندیشه‌های لومان در زمینه عدم قطعیت، پیچیدگی و مخاطره است.^(۱۲)

با توجه به دسته‌بندی یادشده، ما در پیشینه نظری به شرح برخی از نظریه‌پردازان دسته دوم می‌پردازیم که به طور مستقیم و مستمر، اعتماد اجتماعی را کانون بررسی‌های خود قرار داده‌اند و محور اصلی بسیاری از دیدگاه‌های آنها اعتماد است.

الف. جیمز کلمن:^(۱۳) از دید او، روابط انسانی براساس سود و زیان شکل می‌گیرد و کنش‌های انسانی نوعی مبادله اجتماعی و زمینه‌ساز اتحاد بین شخصی‌اند.^(۱۴) اعتماد از منظر کلمن خطری است که فرد در وضعیت مبادله اجتماعی می‌پذیرد و کنش اعتمادکننده، به عملکرد کنش اعتمادشونده بستگی دارد.^(۱۵) وی می‌گوید: «در رابطه

اعتمادکننده، در صورت سوءاستفاده دیگری (اعتمادشونده) بیشتر از منفعتی است که شخص (در صورت عدم سوءاستفاده) دریافت خواهد کرد. از دیدگاه کلمن، دوئیچ مبحث خود را در زمینه اعتماد کردن یا برقراری اعتماد، به وضعیت‌هایی محدود می‌کند که در آن، زیان بالقوه بیشتر از سود بالقوه است.^(۲۰)

ج. لومان:^(۲۱) لومان از دیدگاهی دیگر، اعتماد را بررسی می‌کند که کمتر مورد توجه نظریه‌پردازان اعتماد قرار گرفته است. به این معنا که او کارکرد اعتماد را در درون نظام اجتماعی بررسی و با کارکرد قانون در جامعه مقایسه می‌کند. به اعتقاد وی، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی این است که عدم تعیین اجتماعی را کاهش و بدین ترتیب، قابلیت پیش‌بینی رفتارها را افزایش می‌دهد. اعتماد در واقع، سازوکاری اجتماعی است که در آن، انتظارات، اعمال و رفتار افراد تنظیم و هدایت می‌شود. لومان معتقد است قانون و اعمال قدرت مشروع از جمله ابزارهایی هستند که این وظیفه مهم را بر عهده دارند. قانون و قدرت مشروع، نه از جهت تنبیه قانون‌شکنان یا حل اختلافات و کشمکش‌ها، بلکه از طریق تقویت همکاری، خطر ذاتی در اعتماد را کاهش می‌دهد. قانون و قدرت مشروع با نشان دادن راه‌ها و امور ممنوع، دایره انتخاب افراد را محدود می‌کند و در نتیجه، دایره انتخاب افراد تنها به انجام امور قانونی محدود می‌شود و تصمیمات آنها از راه قانونی اعمال می‌شود. بنابراین، از این جهت قانون و قدرت مشروع همانند اعتماد عمل می‌کنند که عدم تعیین اجتماعی کاهش و قابلیت پیش‌بینی رفتارها را ممکن می‌سازند؛ با این تفاوت که توان اجرایی قانون و قدرت، در مقایسه با اعتماد بالاتر است و با تضمین بیشتری صورت می‌گیرد.^(۲۲) به طور کلی، دیدگاه لومان درباره اعتماد با مفهوم مخاطره و ریسک در جامعه مرتبط است.

اعتماد، حداقل دو طرف وجود دارند: اعتمادکننده و امین. من فرض خواهم کرد که هر دو هدفمندند و هدف آنها تأمین منافعی است؛ صرف‌نظر از اینکه منافع آنها چه باشد. تصمیم اعتمادکننده در این رابطه همیشه مسئله‌برانگیز است؛ اینکه آیا باید اعتماد بکند یا نه، و از سوی دیگر، امین نیز در این میان می‌تواند اعتماد بکند یا اعتماد نکند.^(۱۶)

اما هر دوی این کنش‌ها، چه از سوی اعتمادکننده و چه از سوی امین، با در نظر گرفتن سود و زیان رابطه مشخص می‌شود. برای نمونه، در صورتی که امین به خاطر سود کوتاه‌مدت رابطه اعتماد را بگسلد، اگر در آینده دوباره به رابطه با اعتمادکننده نیاز داشته باشد، منافع بلندمدت را از دست خواهد داد. شاید بتوان گفت که به همین علت، میزان اعتماد در محیط‌های کوچک بیشتر از محیط‌های بزرگ است؛ زیرا امین به آینده رابطه امیدوار نیست؛ در نتیجه، گسستن اعتماد از سوی امین رواج بیشتری دارد.^(۱۷)

ب. مارتین دوئیچ:^(۱۸) دیدگاه دوئیچ در زمینه اعتماد بر مبادله بین افراد تأکید دارد. این نظریه به نظریه بازی مجموع غیرصفر مشهور است؛ یعنی در رابطه مبتنی بر اعتماد، سود یک طرف مساوی با زیان دیگری نیست و همه بازیگران می‌توانند سود ببرند و یا همه آنها زیان ببینند. در این بازی، سود و زیان دوطرف تابعی از انتخاب‌های خود و دیگری است. اما از سویی، در این رابطه امکانی برای رفتار عقلانی افراد وجود ندارد؛ مگر اینکه بتوانند به یکدیگر اعتماد کنند.^(۱۹) دوئیچ رفتار اعتماد کردن را کنش‌هایی توصیف می‌کند که آسیب‌پذیری شخص (اعتمادکننده) را نسبت به دیگری (اعتمادشونده) که رفتارش در وضعیت ویژه‌ای تحت کنترل فرد نیست، افزایش می‌دهد. وضعیتی که در آن زیان

اجتماعی را ایمن‌تر، منظم‌تر و قابل پیش‌بینی می‌سازد؛ چراکه طرح‌های ثابتی وجود دارند که نشان می‌دهند مردم باید چه کار بکنند و چه کار خواهند کرد؛ اما در حالت نابسامانی، کنش‌های افراد حساب‌نشده، غیرقابل پیش‌بینی و موجب عدم قطعیت و بی‌اعتمادی می‌شود.^(۲۷) دومین شرط ساختاری، پایداری نظم اجتماعی و متضاد آن تغییر بنیادی است. اگر شبکه‌ی گروه‌ها، انجمن‌ها، نهادها، سازمان‌ها، بادوام، مستمر و پایدار باشند، می‌توانند مرجع محکمی برای امنیت و آسایش مردم باشند؛ اما بی‌ثباتی بافت وجودی حیات اجتماعی را سست می‌کند. مردم ناگهان با یک نظم اجتماعی بازسازی‌شده یعنی گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های جدید روبه‌رو می‌شوند.^(۲۸) سومین عامل ساختاری، شفافیت سازمان اجتماعی و متضاد آن، رازداری گسترده سازمان است. دسترسی به اطلاعات درباره کارکرد، کارایی، پیشرفت و ناکامی، و آسیب‌های نهادها، سازمان‌ها و نظام‌ها، نوعی احساس امنیت و پیش‌بینی‌پذیری به وجود می‌آورد؛ بنابراین، شفافیت و قابل درک بودن گزارش‌ها برای مردم، اعتماد مردم به آنها را بالا می‌برد؛ در غیر این صورت، یعنی ابهام کارها و پوشش و رازداری در سازمان‌ها اعتماد مردم را کاهش می‌دهد. چهارمین عامل، آشنایی یا بیگانگی با محیطی است که مردم در آن دست به کنش می‌زنند. این محیط مؤلفه‌هایی همچون مناظر و وضع طبیعی، معماری، مسائل داخلی کشور، طرح‌ها، رنگ‌ها و ذائقه‌ها را دربر می‌گیرد. این نوع اعتماد، بیشتر به مردمی ارجاع دارد که به یک جامعه جدید وارد می‌شوند. اگر محیط جدید مشابه محیط قبل باشد، احساس خودی بودن موجب اعتماد می‌شود؛ در صورتی که محیط جدید کاملاً بیگانه باشد، بر عدم اطمینان و اضطراب افزوده شده، احساس

به تعریف لومان «با اعتماد کردن، ما به گونه‌ای رفتار می‌کنیم که گویا آینده را می‌شناسیم. با نشان دادن اعتماد، آینده قابل پیش‌بینی می‌شود. اعتماد یعنی طوری عمل کنیم که گویی آینده مشخص است.»^(۲۳) از دید وی، زندگی اجتماعی نوعی شرط‌بندی و ریسک‌پذیری و راه‌حلی برای مسائل ویژه مربوط به مخاطره، هم در حوزه خرد و هم در حوزه کلان است.

د. زتومکا:^(۲۴) زتومکا در بحث اعتماد می‌گوید که اجتماع اخلاقی کمتر با سازمان رسمی سروکار دارد و بیشتر با احساس تعلق، مسئولیت و احساس وظیفه نسبت به دیگرانی که با آنها ارزش‌ها، منافع و اهداف مشترک دارند، سروکار دارد. در اجتماع اخلاقی «ما» سه مؤلفه وجود دارد: ۱. اعتماد؛ یعنی انتظار عمل صادقانه از دیگران نسبت به خودمان؛ ۲. وفاداری؛ یعنی التزام به عدم نقص اعتماد به کسانی که به ما اعتماد کرده‌اند؛ ۳. تجانس؛ یعنی توجه به منافع دیگران و آمادگی انجام وظیفه از طرف دیگران، حتی اگر انجام آن با منافع شخصی مان در تعارض باشد.^(۲۵) زتومکا در کتاب خود **اعتماد، نظریه جامعه‌شناختی** مبحث اعتماد را با فرهنگ پیوند داده و اصطلاح «فرهنگ اعتماد» را مطرح می‌کند. فرهنگ اعتماد دربرگیرنده هنجارها، قواعد هنجاری، ارزش‌ها و تجاربی در مورد اعتماد است که ایجادکننده فرهنگ اعتماد می‌شود. چنانچه اعتماد معمولاً مورد نقص و تخطی قرار گیرد و اعتماد پیش‌بینی‌شده محقق نشود، در آن صورت، فرآیند جامعه‌به‌سمت ایجاد فرهنگ بی‌اعتمادی حرکت می‌کند.^(۲۶)

زتومکا پنج وضعیت ساختاری (کلان) را در ظهور فرهنگ اعتماد و یا بر عکس آن، فرهنگ بی‌اعتمادی مدنظر قرار می‌دهد. اولین آنها، همبستگی هنجاری و متضاد آن، هرج و مرج هنجاری و به تعبیر دورکیم، نابسامانی اجتماعی است. همبستگی هنجاری، حیات

بی‌اعتمادی بروز می‌یابد. (۲۹)

پنجمین شرط ساختاری، پاسخ‌گویی نهادها به مردم و یا متضاد آن، خودسری و عدم مسئولیت‌پذیری در جامعه است. اگر مردم هنگامی که حقوقشان به رسمیت شناخته نشده و یا تعهدات دیگران درباره آنها نادیده گرفته شده است، بتوانند برای حل مشکل به چنین نهادهایی متوسل شوند، در آن صورت به نوعی بیمه یا حامی دست‌یازیده و در نتیجه، احساس امنیت بیشتری خواهند کرد. از سوی دیگر، نبود و یا ناکارآمدی چنین سازمان‌هایی در قبال پاسخ‌گویی به دادخواهی مردم، و این ذهنیت که داوران قابل اتکا و اعتمادی برای پاسخ‌گویی وجود ندارند و یا دسترسی به آنها ناممکن است و تنها تضمین حقوق هر فرد، در دست خود و متکی به اقدام خودش است، نتیجه آن بی‌اعتمادی و عدم اطمینان خواهد بود. (۳۰) این پنج عامل ساختاری از دیدز-تومکا فرصت‌های هدایت‌کننده‌ای را برای فرهنگ اعتماد یا بی‌اعتمادی فراهم می‌کنند. گسترش این پنج عامل می‌تواند یک فرآیند خودتقویتی از فرهنگ اعتماد را در درون مردم به وجود آورد.

ه‌گیدنز: گیدنز یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان دهه‌های اخیر در عرصه جامعه‌شناسی است و بخش عمده‌ای از بحث‌های خود را به تحلیل الگوی اعتماد در دوران پیش از مدرن و پس از آن اختصاص داده است. از دید وی، اعتماد در نظام‌های مدرنیته متأخر، اعتماد غیرشخصی و به دیگران ناشناس یا به عبارت دیگر «بی‌توجهی مدنی»، جنبه بنیادی روابط اعتماد بین فردی است که از ماهیت رشدیابنده نظام‌های انتزاعی ریشه گرفته است. در این شرایط، جلب اعتماد به جای حفظ اعتماد در نظام‌های گذشته اهمیتی اساسی می‌یابد. در عین حال، وجه عمده اعتماد، پایداری به نظام‌های انتزاعی و به ویژه به

نظام‌های تخصصی است؛ اما در فرهنگ‌های سنتی، چهار زمینه محلی در ارتباط با اعتماد، غالب است: ۱. نظام خویشاوندی؛ ۲. اجتماع محلی؛ ۳. سنت؛ ۴. کیهان‌شناسی مذهبی. (۳۱)

این منابع اعتماد، اهمیت خود را در جوامع جدید از دست داده‌اند، برخلاف جوامع سنتی، در جوامع صنعتی و پیشرفته، اعتماد به علائم و نشانه‌ها و همچنین اعتماد به دانش تخصصی و نظام‌های انتزاعی، جایگزین زمینه‌های سنتی اعتماد می‌شود. امروزه مردم به دنبال علائم و نشانه‌ها هستند و به مارک‌ها توجه می‌کنند؛ در حالی که نمی‌دانند چه کسانی وسایل را ساخته‌اند. در واقع، محلّیت از بین رفته است؛ یعنی رابطه رودرروی تولیدکننده کالا و یا ارائه‌دهنده خدمات با مصرف‌کننده کمرنگ شده و اعتماد به انتزاعیات تقویت شده است. ما امروزه در خرید یک کالا با تولیدکننده آن رابطه رودررو نداریم و وسایل آنها را با توجه به مارک انتخاب می‌کنیم. در این ارتباط، گیدنز درباره پول و نقش آن در جهان مدرن چنین می‌گوید که پول هیچ هستی ذاتی ندارد و اعتماد به پول از خود پول نیست، بلکه ناشی از اعتماد مردم به یک امر انتزاعی و اعتماد به یک رشته نماد و سمبل‌هاست. (۳۲) وی در تعریف اعتماد می‌گوید: «اعتماد را می‌توان به عنوان اطمینان به اعتمادپذیری یک شخص یا یک نظام با توجه به یک رشته پیامدها یا رویدادهای معین تعریف کرد؛ آنجایی که این اطمینان، صداقت یا عشق به دیگری و یا صحت اصول انتزاعی (یا دانش فنی) را بیان کند.» (۳۳)

گیدنز در این تعریف هم بر سطح خرد و هم بر سطح کلان اعتماد تکیه می‌کند. در سطح فردی، اعتماد متقابل رابطه نزدیکی با صمیمیت دارد. شخص برای ایجاد اعتماد باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش قابل

برای هر دو است. لومان نیز با تأکید بر ریسک‌پذیری در اعتماد، آن را کنشی می‌داند که گویی کنش‌گر می‌تواند آینده را پیش‌بینی کند. اما اوفه اعتماد را عنصری اساسی در جامعه مدنی و مشروعیت یک حکومت مطرح می‌کند و به بررسی کارکردهای آن در جامعه مدنی می‌پردازد. گیدنز در بحثی مفصل درباره اعتماد در جوامع سنتی و مدرن، آن را در سطح خرد و کلان مورد دقت قرار می‌دهد و انواع اعتماد (وجودی، بین‌شخصی و اعتماد به نظام‌ها) و پیامدهای مثبت و منفی مدرنیته را آشکار می‌سازد. زتومکا نیز با دیدگاهی کلان‌نگرتر، در کتاب **اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی**، پس از بررسی نظریه‌های اعتماد، مفهوم «فرهنگ اعتماد» و عوامل ساختاری مؤثر بر آن را مطرح می‌کند. چنان‌که ملاحظه شد، در تحلیل اعتماد، برخی مانند دوئیچ بر سطح خرد، دسته‌ای مانند زتومکا بر سطح کلان و برخی دیگر مانند گیدنز دیدگاهی تلفیقی ارائه داده‌اند. همچنین عده‌ای از نظریه‌پردازان بر کارکردها و گروهی دیگر بر عوامل مؤثر بر اعتماد تأکید دارند و چنان‌که بر اهل فن در این عرصه (علوم اجتماعی) روشن است، این تفاوت‌ها ریشه در مفروضات و اصول مسلم مکاتبی دارد که نظریه‌پردازان یادشده در عرصه جامعه‌شناسی از آن الهام گرفته‌اند و بدین سبب، هریک از آنها به یک موضوع (پدیده) از زاویه‌ای نگاه می‌اندازند.

فرضیه‌های تحقیق

۱. احتمالاً بین سن و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. احتمالاً بین میزان تحصیلات و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. احتمالاً بین میزان درآمد و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

اعتماد باشد؛ یعنی هر کس دیگری را به رسمیت بشناسد.^(۳۴) در سطح کلان به اعتقاد وی، جوامع مدرن به نظام‌های تخصصی اعتماد می‌کنند و اعتماد، کلید رابطه بین فرد و نظام‌های تخصصی است. اعتماد همان چیزی است که جوامع مدرن را یکپارچه نگه می‌دارد. اعتماد، نوعی دل‌به‌دریا زدن است و هرگاه سست شود، افراد و گروه‌های اجتماعی ناامنی را تجربه خواهند کرد.^(۳۵) گیدنز سه گونه اعتماد را مطرح می‌کند: اعتماد وجودی (بنیادی)، اعتماد بین‌شخصی و اعتماد به نظام‌ها. اعتماد بنیادین مفهومی متعلق به اریکسون است که ریشه اعتماد را در اطمینان به اشخاص صالح و معتبر می‌داند که معمولاً از نخستین تجربیات کودک حاصل شده است. به نظر وی، اعتماد بنیادین اضطراب را کاهش و نوعی احساس تداوم و نظم در رویدادها را در فرد به وجود می‌آورد.^(۳۶) اعتماد بین‌شخصی به پایبندی‌های چهره‌دار در رویارویی با بیگانگان در جوامع مدرن اشاره دارد. این رویارویی چهره به چهره در خیابان‌ها، ساختمان‌های عمومی، قطارها، اتوبوس‌ها یا مهمانی‌ها اتفاق می‌افتد که گاهی بی‌چهره نیز است.^(۳۷) اعتماد به نظام‌ها، صورت پایبندی‌های بی‌چهره‌ای را به خود می‌گیرد که طی آن به نظام‌هایی که ماهیتاً با مهارت‌های تخصصی تثبیت شده کار می‌کنند و ممکن است هیچ‌گاه کارکنان آنها دیده نشوند، اعتماد می‌شود. گاهی نیز این نظام‌های انتزاعی نقاط دسترسی دارند و به روابط چهره به چهره تبدیل می‌شوند؛ مانند رابطه رودرو با پزشکان (نماینده نهاد علم) و یا کارکنان شرکت‌های هواپیمایی.^(۳۸)

با توجه به نظریه‌های برشمرده در این بخش، برخی از نظریه‌پردازان مانند کلمن، اعتماد را نوعی ریسک در مبادلات اجتماعی می‌دانند. دوئیچ آن را مبادله‌ای می‌داند که اگر سودی باشد، برای دو طرف و اگر زیانی هم باشد،

می‌گذرد. در این پژوهش، متغیر سن برای نشان دادن اعتماد اجتماعی در میان نسل جوان، میان سال و سال خورده استفاده شده است؛ بدین دلیل، سن افراد به گروه‌های سنی ده‌ساله، یعنی ۱۵-۲۴ ساله، ۲۵-۳۴ ساله، ۳۵-۴۴ ساله، ۴۵-۵۴ ساله و ۵۵ سال به بالا تقسیم شده است.

۴. محل تولد: منظور از محل تولد، شهر یا روستاست و می‌خواهیم داشتن ریشه روستایی و یا شهری افراد را مشخص کرده و بدانیم آیا اعتماد اجتماعی بین این دو گروه، تفاوتی با یکدیگر دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش با توجه به اهداف تحقیق و فرضیات، پیمایشی بوده و ابزار گردآوری داده‌های مورد نیاز، پرسشنامه است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه خانوارهای ساکن شهر بابل است که در این شهر سکونت دائمی دارند. تعداد این افراد طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، ۶۶۳۳۸ نفر است.

روش نمونه‌گیری

به علت نبود فهرستی از جامعه آماری و میسر نبودن نمونه‌گیری تصادفی، مناسب‌ترین روش در این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تشخیص داده شده است. در این روش، ابتدا شهر به چند منطقه تقسیم شده، سپس از میان مناطق، نمونه‌هایی انتخاب می‌شود. پس از آن، هریک از مناطق نیز به خوشه‌هایی تقسیم شده و از هر خوشه، نمونه‌ها به طور تصادفی انتخاب می‌شوند.^(۴۰)

در این پژوهش، ابتدا شهر بابل به چهار منطقه اصلی تقسیم شد و از هر منطقه، چند خیابان و از هر خیابان نیز بلوک‌هایی به طور تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر بلوک، خانوارهایی برای نمونه انتخاب شدند و بدان‌ها

۴. احتمالاً بین میزان اعتماد اجتماعی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد.

۵. احتمالاً بین میزان اعتماد اجتماعی افراد متأهل و مجرد تفاوت معناداری وجود دارد.

۶. احتمالاً بین میزان اعتماد اجتماعی متولدین شهر و روستا تفاوت معناداری وجود دارد.

تعریف مفاهیم و متغیرها

الف. متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش، اعتماد اجتماعی است. اعتماد را می‌توان اطمینان فرد به دیگران و عدم بدگمانی به افراد جامعه تعریف کرد؛ و به قول ایزنشتاد بدون وجود عنصر اعتماد، روابط اجتماعی پایدار هیچ‌گاه شکل نمی‌گیرد.^(۳۹) در این پژوهش منظور از اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی، یعنی اعتماد مردم به یکدیگر است که با شاخص‌هایی همچون صداقت، اطمینان، تعهد، انصاف و درستکاری مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

ب. متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این پژوهش عبارت‌اند از: درآمد، تحصیلات، سن، جنس، محل تولد و وضع تأهل.

۱. درآمد: درآمد عبارت است از پولی که فرد از راه کار کردن، سرمایه و یا بازنشستگی دریافت می‌کند. این تعریف فقط درآمد ماهیانه رسمی را دربر نمی‌گیرد؛ بلکه درآمدهای افراد از راه سرمایه‌گذاری‌ها را نیز شامل می‌شود.

۲. تحصیلات: تحصیلات عبارت است از آموزش‌هایی که به طور رسمی از طریق نظام آموزش و پرورش یا نظام آموزش عالی به فرد ارائه شده و برای گذر از هر مقطع، یک مدرک رسمی به او داده می‌شود.

۳. سن: منظور از سن، سال‌هایی است که از عمر یک فرد

گروه سنی اول به سوی گروه‌های سنی بعدی پیش می‌رویم، بر درصد میزان اعتماد اجتماعی پایین گروه‌های سنی افزوده می‌شود؛ یعنی میزان اعتماد اجتماعی پایین گروه سنی ۱۵-۲۴ ساله ۸/۵۹ درصد، ۲۵-۳۴ ساله ۹/۶۲ درصد، ۳۵-۴۲ ساله ۱/۷۲ درصد، ۴۵-۵۴ ساله ۷۵ درصد و ۵۵ سال به بالا ۸۰ درصد است. اما به طور کلی، در همه گروه‌های سنی، بیش از نیمی از افراد دارای اعتماد اجتماعی پایین هستند و هرچه بر سن افراد افزوده می‌گردد، اعتماد اجتماعی آنان کمتر می‌شود.

جدول شماره ۲: اعتماد اجتماعی در گروه‌های سنی ۱۰ ساله

اعتماد اجتماعی	پایین	متوسط	بالا
گروه سنی ۱۵-۲۴ ساله	۷۳	۴۴	۵
	٪۸/۵۹	٪۱/۳۶	٪۱/۴
۲۵-۳۴ ساله	۱۰۰	۵۴	۵
	٪۹/۶۲	٪۳۴	٪۱/۳
۳۵-۴۴ ساله	۴۹	۹	۰
	٪۱/۷۲	٪۹/۳۷	٪۰
۴۵-۵۴ ساله	۳	۱	۰
	٪۷۵	٪۲۵	٪۰
۵۵ ساله به بالا	۴	۱	۰
	٪۸۰	٪۲۰	٪۰

نتایج به دست آمده از مقایسه توزیع میزان اعتماد اجتماعی در گروه‌های تحصیلی (جدول شماره ۳) نیز نتایجی مشابه جدول بالا را نشان می‌دهد. در تمامی گروه‌های تحصیلی (افراد با سطح سواد متفاوت) بیش از ۵۰ درصد افراد از میزان اعتماد اجتماعی پایینی برخوردارند. از سوی دیگر، میزان اعتماد اجتماعی حد متوسط و بالای گروه‌های دارای تحصیلات پایین‌تر، بیش از افرادی است که تحصیلات بالایی داشته‌اند. اگر درصد افراد دارای اعتماد متوسط و بالا را در گروه‌های تحصیلی مختلف، با یکدیگر جمع کنیم، دیده می‌شود ۴/۳۰ درصد افراد کمتر از دیپلم، ۶/۳۲ درصد افراد دیپلم و فوق

مراجعه شد. پس از مراجعه به هر خانوار، ۳۸۰ زن یا مرد سرپرست خانوار (و در صورت عدم حضور سرپرست، مناسب‌ترین فردی که از نظر سنی بالای ۱۵ سال در دسترس بود) برای نمونه انتخاب شدند و ایشان نیز پرسشنامه را به کمک پرسشگران تکمیل کردند.

روش تحلیل داده‌ها (آمار توصیفی و استنباطی)

با توجه به نوع متغیرها و سطوح اندازه‌گیری مطرح شده و اهداف پژوهش، برای توصیف و تحلیل داده‌های تحقیق از جدول‌های فراوانی و تقاطعی در سطح توصیفی، و از آزمون‌های رواسپیرمن، کندال و من ویتنی برای تست فرضیات، با کمک نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

الف. یافته‌های توصیفی

نتایج حاصل از توصیف داده‌های آماری نشان می‌دهد (جدول شماره ۱) میزان اعتماد اجتماعی در شهر بابل از کل افراد نمونه مورد بررسی، ۹/۲ درصد افراد اعتماد اجتماعی بالا، ۱/۳۶ درصد اعتماد اجتماعی متوسط و ۹/۷۸ درصد نیز اعتماد اجتماعی پایین داشته‌اند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و درصد میزان اعتماد اجتماعی

میزان اعتماد اجتماعی	فراوانی	درصد تجمعی
بالا	۱۱	۹/۲
متوسط	۱۲۶	۱/۳۶
پایین	۲۴۳	۹/۷۸
کل	۳۸۰	۱۰۰

جدول شماره ۲ نیز اعتماد اجتماعی را در گروه‌های سنی ده‌ساله نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول آمده است، فقط در گروه‌های سنی ۱۵-۲۴ ساله و ۲۵-۳۴ ساله تعداد ۱۰ نفر (مجموع دو گروه سنی) دارای اعتماد اجتماعی بالا بوده‌اند و در دیگر گروه‌های سنی، فراوانی در این ستون وجود ندارد. همچنین، اگر به ستون میزان اعتماد اجتماعی پایین توجه کنیم، خواهیم دید هرچه از

ب. یافته‌های استنباطی

در جدول شماره ۵ خلاصه نتایج آزمون همبستگی سن، تحصیلات و درآمد با متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی) نشان داده شده است. نتایج به دست آمده از ضرایب همبستگی اسپیرمن و کندال نشان می‌دهد که بین درآمد و اعتماد رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما بین تحصیلات و اعتماد اجتماعی، با ضریب همبستگی ۰/۱۱۶ و سطح معناداری ۰/۰۱۱ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین سن و اعتماد اجتماعی، با ضریب همبستگی ۰/۱۲۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۸ رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۵: آزمون‌های استنباطی رابطه اعتماد اجتماعی با متغیرهای سن، تحصیلات و درآمد

اعتماد اجتماعی		مستقل		
		اسپیرمن		کندال
سن	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۱۳۸/۰	۰/۰۸/۰
تحصیلات	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۱۳/۰	۰/۱۱/۰
درآمد	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۸۹۶/۰	۸۹۷/۰

در جدول شماره ۶ نیز رابطه بین محل زندگی، جنسیت و وضع تأهل با اعتماد اجتماعی آمده است. چنانچه دیده می‌شود، رابطه معناداری بین این سه متغیر با اعتماد اجتماعی وجود ندارد.

جدول شماره ۶: رابطه بین جنسیت، محل تولد و وضع تأهل با اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی		متغیرهای مستقل	
		وضع تأهل	
وضع تأهل	۰/۰۷۶	وضع تأهل	۰/۰۵۳
جنسیت	۰/۲۷	محل تولد	۰/۰۵۳
محل تولد	۰/۰۵۳	وضع تأهل	۰/۰۷۶
وضع تأهل	۰/۰۷۶	وضع تأهل	۰/۰۷۶

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول‌های توصیفی، دیده می‌شود که اعتماد اجتماعی در شهر بابل، در سطح پایینی قرار دارد و این نتایج با تحقیقات دیگر محققان در

دیپلم، ۴/۴۳ درصد افراد دارای مدرک لیسانس و فوق لیسانس، و صفر درصد افراد دارای مدرک دکترا، دارای اعتماد اجتماعی متوسط و بالا بوده‌اند؛ یعنی هرچه میزان تحصیلات بیشتر شده، از اعتماد اجتماعی افراد کاسته شده است.

جدول شماره ۳: اعتماد اجتماعی در گروه‌های تحصیلی مختلف

اعتماد اجتماعی	پایین	متوسط	بالا
تحصیلات			
کمتر از دیپلم	۳۹	۱۶	۱
دیپلم و فوق دیپلم	۷/۶۹٪	۶/۲۸٪	۸/۱٪
لیسانس و فوق لیسانس	۱۳۰	۵۸	۵
دکترا	۴/۶۷٪	۳۰٪	۶/۲٪
	۶۹	۴۸	۵
	۵/۶۵٪	۳/۳۹٪	۱/۴٪
	۵	۴	۰
	۶/۵۵٪	۴/۴۴٪	۰٪

مقایسه آمارها درباره میزان درآمد و اعتماد اجتماعی نیز نشان از روندی معکوس دارد؛ یعنی هرچه درآمد افراد افزایش می‌یابد، اعتماد آنان کاهش می‌یابد. با توجه به جدول شماره ۴، افرادی که جزو دو گروه درآمدی بالا بوده‌اند اعتماد اجتماعی حد بالای آنها صفر درصد و در نتیجه، اعتماد اجتماعی شان در حد متوسط و پایین بوده است. همچنین، ۹/۷۸ درصد کسانی که بالای ۸۵۰ هزار تومان درآمد داشته‌اند، اعتماد اجتماعی پایینی داشته‌اند.

جدول شماره ۴: اعتماد اجتماعی در گروه‌های درآمدی مختلف

اعتماد اجتماعی	پایین	متوسط	بالا
درآمد			
زیر ۲۰۰ هزار تومان	۵۴	۳۱	۱
۲۰۱-۳۵۰ هزار تومان	۸/۶۲٪	۳۶٪	۲/۱٪
۳۵۱-۵۵۰ هزار تومان	۵۶	۲۸	۴
۵۵۱-۸۵۰ هزار تومان	۷/۶۳٪	۸/۳۱٪	۵/۴٪
۸۵۱-۱۰۰۰ هزار تومان	۳۹	۱۹	۲
	۶۵٪	۷/۳۱٪	۳/۳٪
	۴	۶	۰
	۴۰٪	۶۰٪	۰٪
	۱۵	۴	۰
	۹/۷۸٪	۱/۲۱٪	۰٪

باعث کنش متقابل بیشتر مردم با یکدیگر و گردهم آمدن آنها شده، احساس همبستگی و اعتماد اجتماعی را افزایش دهد و در نتیجه، زمینه‌های رشد و توسعه جامعه را فراهم آورد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- پیوتر زتومکا، اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی، ص ۲.
- ۲- همان، ص ۵۰.
- ۳- مهدی امیرکافی، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، نامه پژوهش، ش ۱۸، ص ۱۱.
- ۴- پیوتر زتومکا، اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی، ص ۱۲۳.
- ۵- سعید معیدفر، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ص ۱۷۱.
- ۶- پیوتر زتومکا، اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی، ص ۳۲.
- ۷- همان، ص ۳۳.
- ۸- محمود شارع‌پور، سرمایه اجتماعی، مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری، ص ۳۲.
- ۹- پیوتر زتومکا، اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی، ص ۳۴.
- ۱۰- رونالد اینگلهارت، تحول فرهنگی در جامعه پشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، ص ۳۸.
- ۱۱- پیوتر زتومکا، اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی، ص ۳۴.
- ۱۲- همان، ص ۳۵.
13. Jemes samuel Coleman.
- ۱۴- محمدجواد زاهدی و سجاد اجاقلو، «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر زنجان»، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۴، ص ۹۸.
- ۱۵- جیمز کلمن، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، ص ۱۵۲.
- ۱۶- همان، ص ۱۵۳.
- ۱۷- همان، ص ۱۵۳-۱۵۴.
18. Martin Deutsch.
- ۱۹- محمدجواد زاهدی و سجاد اجاقلو، «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر زنجان»، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۴، ص ۹۸.
- ۲۰- جیمز کلمن، بنیادهای نظریه اجتماعی، ص ۱۵۸.
21. Niklas Luhman.
- ۲۲- غلامرضا غفاری، «اعتمادسازی، مشارکت اجتماعی و امنیت اجتماعی»، در: مجموعه مقالات پلیس، توسعه و دانشگاه، ص ۴۶-۴۵.
- ۲۳- پیوتر زتومکا، اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی، ص ۵۰.

ایران هم‌پوشانی دارد. بنابراین، می‌توان این کاهش سطح اعتماد اجتماعی را به صورت یک مسئله اجتماعی مطرح کرد.

۲. این کاهش فقط دامنگیر یک نسل یا گروه خاص نیست؛ بلکه همه مردم را دربر می‌گیرد و می‌تواند مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد.

۳. افزون بر یافته‌های توصیفی، نتیجه تست فرضیات نشان می‌دهد که بین تحصیلات، سن و درآمد با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؛ اما بین جنس، محل تولد و وضع تأهل با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

۴. چنان‌که جدول‌ها نشان می‌دهند، میزان اعتماد اجتماعی در افراد با سطح تحصیلات متفاوت نیز پایین است. همچنین گروه‌های سنی مختلف که نشانگر سه نسل جوان، میانسال و سالخورده با دوره‌های جامعه‌پذیری متفاوت‌اند نیز همین‌گونه‌اند.

۵. افراد در تمام سطوح درآمدی اعتماد اجتماعی پایینی داشته‌اند و هرچه درآمد افزایش یافته، میزان اعتماد اجتماعی کاهش پیدا کرده است.

۶. وضعیت در حال توسعه بودن و آنومیک جامعه ایران و در نتیجه، شکاف بین سنت و مدرنیته، مسائل اجتماعی زیادی را می‌تواند به بار آورد که یکی از آنها کاهش اعتماد اجتماعی بین مردم است و این، خود موجب کندی روند توسعه و مشارکت مردم در پیشرفت می‌شود.

۷. راه‌حل مشکل یادشده را باید در پل زدن بین سنت و مدرنیته جست‌وجو کرد و برای خلأهای به وجود آمده و منابع از دست رفته (سنت‌ها)، منابع جدیدی (گروه‌های جامعه مدنی مانند اصناف، احزاب، انجمن‌های داوطلبانه و...) را جایگزین کرد.

۸. افزایش مراسم‌های ملی و مذهبی و مکان‌هایی که اقشار مختلف را بتواند به خود جلب کند نیز می‌تواند

- غفاری، تهران، شیرازه، ۱۳۸۶.
- شارع‌پور، محمود، سرمایه اجتماعی؛ مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری، ساری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مازندران، ۱۳۸۵.
- غفاری، غلامرضا، «اعتمادسازی، مشارکت اجتماعی و امنیت اجتماعی»، در: مجموعه مقالات پلیس، توسعه و دانشگاه، ص ۴۶.
- ۲۶- پیور زتومکا، اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی، ص ۲۱۴-۲۱۵.
- ۲۷- همان، ص ۲۱۷.
- ۲۸- همان، ص ۲۱۹.
- ۲۹- همان، ص ۲۲۱-۲۲۲.
- ۳۰- همان، ص ۲۱۳.
- ۳۱- محمدجواد زاهدی و سجاد اجاقلو، «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر زنجان»، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۴، ص ۱۰۴.
- ۳۲- همان، ص ۱۰۵.
- ۳۳- آنتونی گیدنز، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۴۱.
- ۳۴- محمدجواد زاهدی و سجاد اجاقلو، «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر زنجان»، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۴، ص ۱۰۵.
- ۳۵- آنتونی گیدنز، چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، ص ۴۱.
- ۳۶- محمدجواد زاهدی و سجاد اجاقلو، «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر زنجان»، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۴، ص ۹۶.
- ۳۷- آنتونی گیدنز، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۹۷.
- ۳۸- همان، ص ۹۸-۱۰۱.
- ۳۹- پیوتر زتومکا، اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی، ص ۲.
- ۴۰- ازل بی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، ص ۴۵۵.

منابع

- امیرکافی، مهدی، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، نمایه پژوهش، ش ۱۸ (۱۳۸۰)، ۲۹۰-۴۰.
- اینگلهارت، رونالد، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر، ۱۳۸۲.
- بی، ازل، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
- تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه، ۱۳۸۴.
- زاهدی، محمدجواد و سجاد اجاقلو، «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر زنجان»، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۴ (زمستان ۱۳۸۴)، ص ۹۲-۱۲۵.
- زتومکا، پیوتر، اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه غلامرضا